

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین «سعیدی – سعید افغانی»

۱۵ جولای ۲۰۱۷

حکم «احکام» عبادی توقیفی است، قیاس و استحسان در آن جای ندارد.

۱

کلمه عبادت:

کلمه عبادت در قرآن عظیم الشان به صورت کل (۲۷۵) بار ذکر گردیده است. عبادت از ریشه «عَبَدَ» و به معنای پرستش و اطاعت خاشعانه و نهایت خضوع است. از ریشه عبَد دو مصدر عبودیت و عبادت مشتق شده است.

این دو اصطلاح هم در زبان عبری و هم در زبان عربی مورد استفاده قرار گرفته، که البته دارای یک معنی می باشد. عبادت و پرستش به صورت کل در سه دین بزرگ ابراهیمی (یهودیت، مسیحیت و اسلام) به عنوان یک اصل جدا ناپذیر شمرده می شود که در هر سه دین به عنوان یکی از اولویت ها بر آن تأکید شده است. عبادت را علماء به حبل (ریسمان) متین محکمی و مستحکم در حیات فردی و اجتماعی و حتی سیاسی انسان معرفی داشته اند.

انسان از طریق عبادت با پروردگار خویش مرتبط و وصل می شود. انسان با عبادت صادق در رحمت پروردگار قرار می گیرد و از یاد نباید برد که انسان با انجام و ادای عبادت به عزت کامل رسیده می تواند. «وما خلقت الجن و الإنس إلا ليعبدون» (سوره الذاریات: آیت ۵۶) جن و انس را نیافریدیم مگر برای این که مرا پرستش کنند»

پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم می فرماید: «این دین محکم و متین است. پس با ملایمت در آن درآئید و عبادت الله را بر بندگان خدا با کراهت تحمیل نکنید که در این صورت مانند سوار در مانده ای هستید که نه مسافت را پیموده و نه مرکبی به جا گذاشته است».

نباید فراموش کرد که :

افراط و زیاده روی در عبادت موجب خستگی روح و بی رغبتی مؤمن نسبت به عبادت و گریز از آن می شود.

عبادت:

عبادت اسم جامعی است که تمام آنچه را که پروردگار با عظمت ما دوست می دارد و به آن خوشنود می گردد، در بر می گیرد اعم از عقاید و اعمال قلوب و اعمال جوارح و همه اعمالی که بنده را به الله نزدیک می سازد.

بنابر این همه آنچه که خداوند در کتابش و سنت رسولش حضرت محمد صلی الله علیه وسلم مشروع قرار داده در تعریف عبادت داخل است.

عبادت انواع مختلفی دارد، بعضی عبادات قلبی اند، مانند ارکان ششگانه ایمان، ترس، رجاء، توکل، رغبت، رهبت و غیره و بعضی عبادات ظاهری است، مانند: نماز و زکات، روزه، حج.

عبادت صحیح نمی شود مگر این که بر دو اصل مبتنی باشد:

اول: این که عبادت خالص برای الله تعالی انجام گیرد و به او شریک آورده نشود. این معنای گواهی دادن «**لا اله الا الله**» است.

چنانکه الله تعالی می فرماید:

«إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصاً لَهُ الدِّينَ، أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ.» (سُورَةُ الزُّمَرِ) (ما این کتاب را که در بر گیرنده حق و حقیقت است، بر تو فرو فرستادیم. خدا را پرستش کن و پرستش خود را خاص برای او گردان. هان! تنها طاعت و عبادت خالصانه برای الله است و بس. کسانی که جز خدا سرپرستان و یاوران دیگری را بر می گیرند، گویند ما آنان را پرستش نمی کنیم مگر بدان خاطر که ما را به خداوند نزدیک گردانند، بی گمان خداوند بین آنان در (بارۀ) آنچه که در آن اختلاف می ورزند داور می کند، خداوند کسی را که دروغگوی ناسپاس است هدایت نمی کند.)

و می فرماید: «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ خُنَفَاءَ وَيَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ آيَةُ هُورَةُ الْبَيِّنَةِ» (درحالی که به ایشان دستور داده نشده بود مگر این که مخلصانه و حقگرایانه خدا را بپرستند و نماز بر پا دارند و زکات بپردازند و این است آئین راستین).

دوم: پیروی از رسول الله صلی الله علیه وسلم به این شکل که بنده مثل پیامبر صلی الله علیه وسلم عمل کند بدون این که چیزی از آن کم کند یا به آن بیفزاید، و این به اساس و معنای گواهی محمد رسول الله است. لذا می فرماید: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ آيَةُ ٣١ - سُورَةُ آلِ عِمْرَانَ» (بگو اگر خدا را دوست می دارید از من پیروی کنید تا خداوند شما را دوست بدارد و گناهان شما را برایتان بیامرزد). و می فرماید: «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَنْهَاكُمُ عَنْهُ فَأَنْتَهُوَ آيَةُ ٧ سُورَةُ الْحَشْرِ» (و آنچه رسول (خدا) به شما بدهد، آن را بپذیرید و از آنچه که شما را از آن باز دارد اجتناب کنید).

مصادر احکام در اسلام:

در استنباط احکام اسلامی پیوسته با دو دسته از منابع روبه رو می شویم. یکی، منابع اصلی و دیگری منابع فرعی. منابع اصلی برنص یا نقل تکیه دارند و شامل قرآن عظیم الشأن و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم اند. منابع فرعی بر عقل، یعنی اجتهاد استواراند و اجماع، قیاس، عقل، استحسان، استصلاح، سد ذرایع و عرف را در بر می گیرند.

یادداشت توضیحی درمورد «سدرائع وفتح ذرائع»:

«سَدَّ»: کلمه «سَدَّ» ، در لغت به معنای بستن و جلوگیری کردن است ، و کلمه «فتح» در لغت به معنای رفع مانع نمودن است (ابن منظور ، محمد بن مکرم ، لسان العرب ، جلد ۳ صفحه ۲۰۷ ، بیروت ، دار صادر ، چاپ سوم ، ۱۴۱۴ ق)

«ذرائع»، جمع «ذریعه» است و ذریعه در لغت به معنای وسیله‌ای است که انسان می‌تواند با کمک آن به چیزی برسد. (راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق، داودی، صفوان عدنان، صفحه ۶۲۱، دمشق، بیروت، دارالقلم، الدار الشامیة، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.)

و در اصطلاح دارای تعاریف مختلفی است که نزدیک‌ترین و جامع‌ترین تعریف به حقیقت عبارت است از: وسیله‌ای که ما را به سوی احکام هدایت فرماید .

پس معنای «سَدَّ ذرائع» به حسب اصطلاح یعنی ترک کردن و جلوگیری کردن از هر وسیله‌ای که موجب رسیدن به حرام می‌شود.

و معنای فتح ذرائع به حسب اصطلاح یعنی بازکردن و رفع مانع نمودن و اجازه دادن به انجام هر وسیله‌ای که سبب رسیدن به واجب می‌شود.

مصادر احکام:

مصادر احکام در شریعت اسلام چهار اند :

- ۱- قرآن عظیم الشان
 - ۲- احادیث صحیح پیامبر صلی الله علیه وسلم
 - ۳- اجماع امت در یک عصری
 - ۴- قیاس (برای غیر عبادات و عقاید)
- این موارد همگی منابع تشریع هستند و مادامی که حکمی از طریق یکی از این مصادر تعیین شود، بر مکلفین واجب است که مطابق حکم عمل کنند.
- ناگفته نباید گذاشت که : برخی از علماء اجماع و قیاس را به طور کلی مردود می‌شمارند.
- (از جمله شیخ ابن حزم اندلسی) و تقریباً اکثر قریب به اتفاق علماء هر چهار منبع را جزو ادله احکام الهی دانسته و معتبر می‌دانند.

شیخ ابن حزم اندلسی :

شیخ ابن حزم ، ابو محمد علی بن احمد بن سعید (۳۸۴ - ۴۵۶ قمری) (۹۹۴ - ۱۰۶۴ م) او یکی از مشهور ترین فقها، فیلسوف، شاعر و ادیب در اندلس به شمار میرفت. پدرش یکی از بزرگان قرطبه بود و در زمان دولت عامری به حیث وزیر مشغول وظیفه بود.

اقسام ادله شرعی :

برخی از علماء ادله شرعی را به دو قسمت تقسیم می‌نمایند :

- نقل

- ورأی

البته این تقسیم بنابر اصول ادله است ، وگرنه هر دو به یکدیگر نیازمندند.

نوع اول یعنی نقل :

نقل : عبارت از کتاب الله و سنت رسول الله ، و نوع دوم قیاس و استدلال (انالوگی) و به هر کدام اصول دیگری ملحق می‌شود که بعضی مورد اتفاق، و بعضی مورد اختلاف است.
به نوع اول اجماع و مذهب صحابی و شرع گذشتگان ملحق می‌شود، و به نوع دوم : استحسان و مصالح مرسله.

قران عظیم الشان:

امت اسلام بر این اصل اجماع دارند که اولین مصدر تشریع در دین مقدس اسلام : احکام قرآن است، در تعریف قرآن علماء و مفسرین نظریاتی مختلفی ارائه داشته اند ، از جمله همه این تعریف ها، یکی آن عبارتست :
قرآن کتابی است که از جانب پروردگار با لفظ عربی فصیح بر رسول الله صلی الله علیه وسلم نازل شده و به طریق تواتر به ما رسیده است و در مصحف مکتوب و ابتدای آن سوره «فاتحه» و انتهای آن سوره «ناس» است.

سنت صحیح :

سنت نیز دومین مرجع تشریع احکام است و امت بر آن اجماع دارند.

سنت در لغت:

به معنای طریقه و راه و روش و سیرت است، چه خوب و چه بد.
و مقصود از آن در این جا : اقوال، افعالی و سکوت محمد (ص) است که از رسول الله صلی الله علیه وسلم بر غیر سبیل اعجاز سر زده است. و به عبارتی دیگر :سنت، عبارت از گفتار و کردار و تقریر و ترکی است که از رسول الله صلی الله علیه وسلم سرزده است.
و در بین فقها، سنت به عبادت غیر واجب گفته می‌شود، و گاهی نیز کلمه سنت در مقابل کلمه بدعت به کار می‌رود که منظور از آن امری است که شرعی باشد، خواه واجب، و خواه مندوب و خواه مباح.

بنابر تعریف فوق، سنت به سه بخش عمده تقسیم می‌شود :

- ۱- سنت قولی .
 - ۲- سنت فعلی که شامل ترک نیز هست.
 - ۳- سنت تقریری.
- اکثر سنن رسول الله صلی الله علیه وسلم سنت قولی است، و مثال های بی نهایت زیادی در این بابت وجود دارد .
- و سنت فعلی که اقدام بر فعل است، مانند تعلیم نماز و حج به طریق عمل کردن به آنها و ترک فعل، مثل ترک غسل بین جماع‌های متعدد تا دلالت بر جواز دهد.
- و سنت تقریری عبارت از این است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فعلی را از کسی مشاهده فرمایند و یا گفتاری را از بعضی از اصحاب بشنوند، و انکار نفرمایند، مانند خوردن گوشت خر اهلی (گورمخر) در حضور ایشان، و تیمم کردن صحابه برای نماز به سبب نیافتن آب، و یافتن آن بعد از ادای نماز، و غیر از این از حالات بسیاری که یاران در حضور و یا غیبت ایشان انجام می‌دادند، و ایشان انکار نمی‌فرمودند، و عدم انکار ایشان بر جواز آن امور دلالت دارد.

همه مسلمانان متفقند بر آن که سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم حجتی از حجت های شرع است، و کتاب خداوند متعال نیز بر این امر دلالت دارد : « وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ » (حشر / ۷) (و آنچه که رسول برای شما آورد بدان چنگ زنید و آنچه که شما را از آن بازداشت، خودداری کنید).

«قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ» (سوره آل عمران / ۳۱) (بگو اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید خدا شما را دوست می دارد) .

لذا قول رسول الله صلی الله علیه وسلم بر کسی که مستقیماً به صورت شفاهی از ایشان بشنود حجت است و باید بر وفق آن عمل کند، و ما که از این برکت محروم مانده ایم، وسیله به دست آوردن سنت برای ما از طریق راویان است که ممکن است به طرق تواتر یا آحاد سنن رسول الله صلی الله علیه وسلم را بر ایمان روایت کنند.

نباید فراموش کرد که : سنت در واقع شرح قرآن است، قواعد کلی آن را توضیح می دهد، مجمل آن را روشن می سازد، و مختصر آن را مفصل، و مشکل آن را حل می کند، زیرا خداوند بیان قرآن را وظیفه رسول الله صلی الله علیه وسلم ساخته و فرموده است : « وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ » (سوره نحل / ۴۴) (و قرآن را بر تو نازل کردیم تا آنچه را که بر مردم (از سوی پروردگارشان) نازل می شود بیان نمایی).

بنابراین هیچ امری را در سنت نمی بینیم مگر این که از دور یا نزدیک قرآن بر آن دلالت دارد، زیرا خداوند قرآن را بیانگر هر چیز دانسته، و از این لازم می آید که سنت نیز در آن وارد شود.

ادامه دارد